



۲- بحث ویژه

۲-۱- فراخوان دوم برای رسمیت بخشیدن به مفهوم صلاحیت^۱ در روان‌شناسی ایران: سه نامه^۲

دکتر لادن فتی

روان‌شناسی ایران در حال حاضر از یک بحران هویت جدی رنج می‌برد. در مقاله قبلی در همین زمینه، درباره مراحل تحولی روان‌شناسی در ایران صحبت شد (مراحل راه‌اندازی، تثبیت، رشد کمی، و بالندگی کیفی). آن مقاله با نگاه مسئله‌مدار نگارش شده بود و دغدغه‌ای که در آن نوشته مطرح بود، همچنان با همان قوت و شاید بیشتر برجای خود باقی است. جامعه ما شرایط ویژه‌ای دارد که قطعاً بر شکل‌گیری و تداوم این بحران تأثیر داشته است. برخی از این شرایط عبارتند از:

(۱) در حال حاضر هشتاد میلیون نفر ایرانی نیازمند خدمات سلامت روان در تمام سطوح هستند. بسیاری نیازمند راهنمایی برای رشد روانی و توسعه فردی^۳ خود هستند. این افراد اگر چه از اختلال روانی خاصی رنج نمی‌برند، اما آگاهند که در حوزه‌های مختلف زندگی مثل فرزندپروری، مدیریت روابط بین‌فردی، خودنظم‌بخشی و بسیاری حوزه‌های دیگر به آموزش و راهنمایی علمی و تخصصی نیاز دارند. گروه دیگری از هموطنان ما به دلیل آسیب‌پذیری و در معرض خطر بودن، به خدمات علمی پیشگیری^۴ نیاز دارند و بخش دیگری باید خدمات روان‌درمانی^۵ دریافت کنند. جان‌کلام، تقاضای گسترده‌ای برای انواع خدمات روان‌شناسی اعم از آموزش، مشاوره و درمان در جامعه وجود دارد.

(۲) از سوی دیگر، دانش‌آموختگانی که وارد بازار کار می‌شوند و تعدادشان نیز کم نیست، متوجه شکاف حیرت‌آور آموخته‌های دانشگاهی خود و نیازهای بازار کار می‌شوند. آنها خیلی زود در می‌یابند که در حوزه مهارتی بسیار ضعیف هستند و نمی‌توانند و پاسخگوی تقاضاهای سلامت روان جامعه باشند. با کمال تأسف علی‌رغم سرمایه‌گذاری قابل ملاحظه منابع آموزش عالی، مجهز به ابزارهای علمی، مهارتی و ارزشی/نگرشی لازم برای پاسخگو بودن^۶ نیستند.

(۳) عدم توازن عرضه و تقاضای خدمات سلامت روان، منجر به فقر جدی در عرضه خدمات روان‌شناختی علمی و در نتیجه کثرت در ارائه خدمات زرد روان‌شناسی شده است. متأسفانه روان‌شناسان کم تجربه و کم دانش نیز با این موج روان‌شناسی زرد همراه و همسو شده‌اند.

^۱ competency

^۲ پانوش: پیشنهاد می‌کنم قبل از مطالعه این نوشته، فراخوان نخست (فراخوانی برای رسمیت بخشیدن به مفهوم "صلاحیت" در روان‌شناسی ایران) را که در تابستان ۱۳۹۸ به

عنوان بحث ویژه در خبرنامه انجمن روان‌شناسی ایران منتشر شد را مطالعه بفرمایید.

^۳ personal development

^۴ prevention

^۵ psychotherapy

^۶ accountability



- (۴) نتیجه این روند تلخ، تقلیل خدمت‌رسانی در عرصه روان‌شناسی به ارائه پرکثرت و غیرمنسجم اطلاعات سطحی و پاره‌پاره غیرعلمی و حتی سلیقه‌ای در شبکه‌های اجتماعی توسط افراد غیر متخصص و غیرمتعهد بوده است.
- (۵) تعدد مراکز تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در زمینه ارائه خدمات روان‌شناسی و اختلاف نظر بین این مراکز، درباره مفهوم روان‌درمانی و سایر خدمات روان‌شناسی، چالش بزرگ این روزهای روان‌شناسی علمی ایران است.
- (۶) چالش بزرگ دیگر در پیش روی روان‌شناسی علمی، نبود حمایت مالی از سوی نظام سلامت برای دریافت‌کنندگان و ارائه‌دهندگان خدمات روان‌شناسی است که باعث می‌شود این خدمات بدون بیمه و در نتیجه بدون نظارت و پایش ارائه شوند.

به نظر می‌رسد هسته بسیاری از چالش‌های فوق و دیگر مسائلی که در این نوشته به آنها اشاره نشد، نبود شاخص مناسب برای سنجش "صلاحیت" است. شاخصی که به کمک آن بتوان علمی بودن و حرفه‌ای بودن خدمات ارائه شده را ارزیابی^۱ و ارزشیابی^۲ کرد. همانطور که در مقاله قبلی گفته شد، صلاحیت یعنی "توانایی اداره کردن یک کار تخصصی پیچیده در شرایطی که دانش^۳، نگرش^۴ و تجربه عملی^۵ (KAP) متناسب با آن کار وجود دارد؛ با لحاظ کردن تمام موازین قانونی، اخلاقی و علمی/روش شناختی". صلاحیت حرفه‌ای در روان‌شناسی استفاده ماهرانه و مبتنی بر قضاوت بالینی درست از مهارت ارتباط، دانش، مهارت‌های فنی، تصمیم‌گیری مبتنی بر شواهد، هیجان‌ها، ارزش‌ها و بازانديشی در مسیر ارتقا و بهبود سلامت فرد بیمار و جامعه است. بنابراین شاخص صلاحیت ما روان‌شناسان، (۱) داشتن دانش گسترده در عرصه‌های مختلف علم روان‌شناسی، (۲) داشتن مهارت^۶ و توانایی^۷ در کاربردی کردن^۸ این دانش و نیز (۳) ارزش و اهمیت قایل شدن^۹ برای ارائه خدمات در چارچوب علم^{۱۰}، اخلاق^{۱۱} و تعهد حرفه‌ای^{۱۲} است. اگرچه در نهایت، آموزش مبتنی بر صلاحیت‌ها برعهده نظام آموزش و پایش آن برعهده نظام سلامت/نظام روان‌شناسی است، اما با توجه به چالش‌هایی که به برخی از آنها اشاره شد، به نظر می‌رسد تا زمانی که این تحول در سطح راهبردی اتفاق بیافتد، خود ما روان‌شناسان بایستی مراقب رفتار حرفه‌ای خودمان باشیم و علاوه بر ما، مخاطب روان‌شناسی نیز باید نسبت به کیفیت خدماتی که دریافت می‌کند حساس باشد. بنابراین ادامه این نوشتار در قالب سه نامه به سه گروه مخاطب نگارش شده است:

- (۱) افراد ارائه‌دهنده خدمات سلامت روان
(۲) دریافت‌کنندگان خدمات سلامت روان

^۱ assessment
^۲ evaluation
^۳ knowledge
^۴ attitude
^۵ practice
^۶ skill
^۷ ability
^۸ applying
^۹ valuing
^{۱۰} science
^{۱۱} ethics
^{۱۲} professionalism



۳) نهادهای آموزشی و نظارتی (سیاست‌گذاری و مجری)

نامه اول: همکاران ارجمندم، ارائه‌دهندگان خدمات سلامت روان

همانگونه که همه ما می‌دانیم، مقرر است ارائه‌دهندگان خدمات سلامت روان، دانش و مهارت لازم برای انجام حرفه را مطابق با رسالت و مأموریت آن رشته داشته باشند. همچنین برای آنچه که انجام می‌دهند ارزش و اهمیت خاص قایل باشند. ارائه خدمات با کیفیت قابل قبول و متناسب با سطح رشدی و تجربه هر روان‌شناس، صلاحیت او را می‌سازد. متأسفانه در کشور ما هنوز صلاحیت‌های روان‌شناسی کاربردی متناسب با فرهنگ و نیازهایمان به طور رسمی توسط نهادهای ذی‌صلاح تعریف نشده است. اما با توجه به ضرورت و حساسیت کنونی این موضوع شاید سریع‌ترین کار در حال حاضر، استفاده از مستندات آماده شده در سایر نقاط جهان برای خودارزیابی است. به نظر من هریک از ما روان‌شناسان می‌توانیم خودمان را بر مبنای صلاحیت‌های هسته‌ای^۱، بنیادین^۲ و کارکردی^۳ تعریف شده در مناطقی از جهان که روان‌شناسی در آن جاهت و جایگاه علمی در شأن و درخور دارد، محک بزنیم و به طور منظم و مستمر پایش کنیم. این خودپایشی، اولین گام برای صیانت از جاهت علمی‌مان در کوران فعالیت روان‌شناسی غیر علمی است. چگونه این کار را انجام دهیم؟ یکی از صلاحیت‌های اصلی یک روان‌شناس، خودآگاهی^۴ و خود - بازاندیشی^۵ است. صرف نظر از نهادهایی که ما را نظارت می‌کنند، هریک از ما مسئولیم خودمان به طور مستقیم خود را پایش کنیم. درباره سطح علمی، مهارت بالینی و نگرش‌مان نسبت به وظایف شغلی‌مان حساس باشیم گویی یک برج مراقبت یا یک داور، فراتر از دانش و مهارت در روان ما وجود دارد که همه چیز را به سوی علمی بودن و حرفه‌ای بودن هدایت می‌کند و اجازه خارج شدن از مسیر را نمی‌دهد.

این مهارت به ما این امکان را می‌دهد که عملکردمان را خودمان واری کنیم، به ما اجازه بازخورد دادن به خودمان را می‌دهد، کمک می‌کند علمی^۶ و حرفه‌ای^۷ باقی بمانیم. به عنوان یک روان‌شناس لازم است فلسفه زیربنای کار علمی‌مان را بدانیم، به فلسفه علم و نظریه‌پردازی اشراف داشته باشیم، روش‌های علمی، تفکر و تحلیل و نقد علمی را در یادگیری و استفاده از علم روان‌شناسی به کار بگیریم. متناسب با سطح تحصیل‌مان، به آخرین یافته‌های علمی در حوزه‌های اصلی رشته نظیر رشد، نظریه‌های شخصیت، نظریه‌های روان‌درمانی، تشخیص، ارزیابی، مفهوم‌پردازی، سطوح مداخله و تفاوت آنها، ارتباط، اصول روش تحقیق، کدهای اخلاقی و اصول رفتار حرفه‌ای کار تیمی، و تدریس، آگاهی داشته باشیم. اگر در سطوح بالای رشته فعالیت می‌کنیم، این آگاهی می‌بایست در مقیاس اشراف داشتن و مسلط بودن باشد. علاوه بر دانش پایه نظری، لازم است متناسب با سطح تحصیل و گرایش و تخصصمان در رشته، خط‌کش و مقیاسی داشته باشیم برای محک زدن مهارت خودمان در حوزه‌های کاربردی. برای دستیابی به اهداف یاد شده، داشتن تفکر نقاد، بازاندیشانه، تحلیلی و خلاق برای هر روان‌شناس حرفه‌ای پیش‌نیاز به شمار می‌رود. براساس مستندات موجود، بسته به این که در کدام سطح مهارت

^۱ core competencies

^۲ fundamental competencies

^۳ functional competencies

^۴ self-awareness

^۵ self-reflection

^۶ Scientific

^۷ professional



بالینی هستیم، خط‌کشهای مناسب برای آن سطح وجود دارد که آنها را بنچ‌مارک^۱ نامیده‌اند. خود را با بنچ‌مارک متناسب خودتان مقایسه کنید. اگر به سطح مورد نظر نرسیده‌اید، لطفاً هدفمند بخوانید، تمرین کنید و تا جای ممکن کمک بگیرید. همه ما نظریه رشد اخلاقی کولبرگ را از کتاب‌های درسی‌مان به‌خاطر داریم. این نظریه در مورد خود ما نیز صدق می‌کند. در سطوح بالای رشد اخلاقی، هریک از ما باید به خودمان پاسخگو باشیم. از فرایند و پیامد کارتان بازخورد بگیرید. این بازخوردها را بنویسید بر مبنای آن برای گام بعدی‌تان برنامه‌ریزی کنید.

به استفاده از اصول تمرین عامدانه^۲، خودنظم‌بخشی^۳، رشد شخصی، و همه آنچه خودمراقبتی^۴ نامیده شده است، در زندگی فردی و حرفه‌ای خود متعهد باشید. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های یک روان‌شناس پاسخگو بودن است. پاسخگویی به نیازهای جامعه، به علم و به رشته. خودمان را متناسب با تعهد حرفه‌ای مان محک بزنیم (وصیت‌نامه لویی پاستور را ببینید). یادمان باشد اگر خودمان از کیان روان‌شناسی صلاحیت‌محور دفاع نکنیم، کس دیگری این کار را انجام نخواهد داد!

نامه دوم: دریافت‌کنندگان خدمات سلامت روان

مخاطب روان‌شناسی علمی و حرفه‌ای، تمامی هموطنانی هستند که در سرتاسر جهان، به خدمات آموزشی، مشاوره‌ای و درمانی این حوزه نیاز دارند. اگر شما یکی از این مخاطبان هستید، در انتخاب روان‌شناس خود به این نکات توجه کنید: روان‌شناسی یک تخصص علمی است. روان‌شناس شما باید هم تحصیلات عالی در رشته روان‌شناسی داشته باشد و هم مدرک و سندی که نشان دهد از سوی یک نهاد رسمی اجازه انجام خدمات روان‌شناسی را دارد و یا تحت نظر یک ارشد ذی‌صلاح به این فعالیت مشغول است. منظور از تحصیلات دانشگاهی صرفاً داشتن یک مدرک دانشگاهی با عنوان روان‌شناسی، مشاوره، تعلیم و تربیت یا نظایر آن نیست. مدرک دانشگاهی صرفاً نشان می‌دهد فرد در یک دانشگاه مورد تأیید وزارتین، دروسی را با نمره قبولی در یک مقطع دانشگاهی گذرانیده است؛ همین! نداشتن این مدرک وانفسای بزرگی است که نشان می‌دهد همین حداقل هم وجود ندارد! روان‌شناس شما باید شواهدی از دانش، روش و منش علمی را به طور واضح نشان دهد. از روان‌شناسی که نمی‌تواند با استناد به شواهد علمی از روش و منش خود دفاع کند، پرهیز کنید. اصول اخلاقی که روان‌شناس "موظف" به تبعیت از آنهاست در وبسایت نظام روان‌شناسی موجود است.

از روان‌شناس خود و از نظام روان‌شناسی بخواهید "پاسخگو" باشند. خدمات تخصصی روان‌شناسی که توسط افراد با تجربه ارائه می‌شود، خدمات گرانی هستند؛ بسیار گران‌تر از تعرفه نظام روان‌شناسی. لطفاً مطالبه پوشش بیمه داشته باشید. در هیچ کجای دنیا این خدمت بسیار گران بدون حمایت بیمه ارائه نمی‌شود، حتی در کشورهای بزرگ سرمایه‌داری!

برای رفتار، پوشش، و گویش ما روان‌شناسان در اتاق درمان چارچوب‌های سخت‌گیرانه‌ای وجود دارد. پروتکل‌های دقیقی برای نحوه حضور روان‌شناس در اتاق درمان وجود دارد. هیچ روان‌شناسی حق ندارد از این پروتکل‌ها تخطی کند. به این شاخص‌ها حساس باشید.

روان‌شناسی دارای شاخه‌ها و گرایش‌های مختلفی است که هریک از ما در یکی از این حوزه‌ها تعلیم دیده و پرورش یافته‌ایم. ما نه می‌توانیم و نه اجازه داریم در حوزه‌هایی غیر از تخصص خودمان فعالیت کنیم. بنابراین توجه کنید که گرایش روان‌شناس شما چیست و

^۱ benchmark

^۲ deliberate practice

^۳ self-regulation

^۴ self-care



غیر از آن را نه طلب کنید و نه بپذیرید. به خاطر داشته باشید تا زمانی که شما با پست‌های شبکه‌های اجتماعی و با حرف‌های دهن پرکن خوشحال می‌شوید، امیدی به احیای روان‌شناسی علمی نیست. یادمان باشد تقاضا، عرضه را تنظیم می‌کند. از روان‌شناس خویش بخواهید همان ابتدای کار، اهداف مداخله، روش مداخله، و فرایند مداخله را واضح برایتان توضیح دهد و مطمئن شوید که در جلسات دستاوردهایی متناسب با اهداف پیش‌بینی شده را دارید.

رابطه با روان‌شناس یک رابطه کاملاً حرفه‌ای و اخلاق‌مدار است که شما برای آن هزینه مالی پرداخت می‌کنید. هیچ روان‌شناسی اجازه ندارد از شما درخواستی فراتر از چارچوب اتاق روان‌درمانی داشته باشد. حرف‌های بیشتری برای گفتن هست ولی اگر تا همین اندازه هم حساس باشید، سرنوشت روان‌شناسی حرفه‌ای روشن‌تر می‌شود. یادمان باشد که خدمات روان‌شناسی از واجبات زندگی معاصر هستند. هیچ فردی نمی‌تواند بدون کمک گرفتن از متخصص گره مربوط به آن تخصص را باز کند. ولی این بدان معنا نیست که هرکسی پیشنهاد کمک داد، صلاحیت ارائه آن کمک را داشته باشد. به حقوق خود آگاه باشید و به رفتاری که با شما می‌شود حساس باشید.

نامه سوم: سیاست‌گذاران و استراتژیست‌های محترم

اول از همه عذرخواهی می‌کنم که پایم را از گلیمم درازتر می‌کنم و در کار بزرگان دخالت می‌کنم. من می‌دانم و آگاهم که اکثریت متولیان روان‌شناسی ایران در سطح آگاه و هوشیار، تلاش دارند بهترین‌ها را برای حرفه روان‌شناسی، هموطنان و همکاران روان‌شناس رقم بزنند، اما مرور حتی سطحی وضعیت موجود نشان می‌دهد آنچه در دانشگاه آموزش داده می‌شود، با نیاز جامعه منطبق نیست و در واقع رشته روان‌شناسی با شرایط کنونی‌اش پاسخگوی درخواست جامعه نیست! همچنین می‌دانم که نهادهای نظارتی نظیر نظام روان‌شناسی و مشاوره بهترین در بضاعت‌شان را برای نظارت بر ارائه خدمات انجام می‌دهند اما با این حال آشکارا می‌بینم که یک یا چند جای کار می‌لنگد. همانطور که در ابتدای این نامه گفتم من ذی‌صلاح نیستم که به بزرگان راه کار ارائه بدهم ولی به نظرم به عنوان یک عضو این رشته علمی و حرفه، اجازه دارم چند سوالی را که در ذهنم هست از متولیان آموزش و ارزیابی صلاحیت در روان‌شناسی ایران بپرسم.

- ۱) چرا ما سالهاست داریم چرخ را از نوع اختراع می‌کنیم؟ چرا روال آموزش و ارزیابی مبتنی بر صلاحیت را که تمام دنیا از بیست سال پیش شروع کردند دنبال نمی‌کنیم؟
- ۲) چرا خط‌کش‌ها و ابزارهای ارزیابی و ارزشیابی موجود در رشته که امتحان خود را در جاهای دیگر دنیا پس داده‌اند را جانشین سلیقه شخصی و قضاوت فردی درباره صلاحیت روان‌شناسان نمی‌کنیم؟ برای مثال چرا از روش‌هایی نظیر پورتفولیو، ارزیابی ۳۶۰ درجه، آسکی، اوسلر، شرح‌نامه، داپس و نظایر آن برای سنجش و پایش صلاحیت روان‌شناسان استفاده نمی‌کنیم؟
- ۳) چرا برنامه‌های کارورزی و کارآموزی مستقل توسط درمانگران حرفه‌ای برای فارغ‌التحصیلانی که دانشگاهشان به آنها فرصت کار عملی را نداده است، برنامه‌ریزی و اجرایی نمی‌شود؟
- ۴) آیا ما نمی‌توانیم از روش‌های موجود تربیت و ارزیابی سوپروایزر روان‌شناس در کشور خودمان استفاده کنیم و رده بالاتر متخصص رشته را هماهنگ پرورش بدهیم؟
- ۵) چه چالش‌هایی در استفاده از هرم میلر برای سنجش مهارت در پیش روی ماست؟
- ۶) چرا مکعب صلاحیت^۱ را تا کنون عملیاتی نکرده‌ایم؟

^۱ competency rubric



۷) آیا SWOT analysis آموزش و ارزشیابی مبتنی بر صلاحیت در ایران اصلاً انجام نشده است، و یا انجام شده و امثال ما به گزارش آن دسترسی نداریم؟!

۸) آیا نمی‌توان ابزار جانمایی^۱ در اختیار دانشجویان و دانش‌آموختگان حرفه روان‌شناسی قرار داد تا بتوانند قبل از ارزیابی توسط نهادهای ذی‌ربط خود را پایش کرده و حرفه‌های آموزشی خویش را پر کنند؟

آشفتگی و گیجی و پرسش‌های ذهن من و افراد شبیه به من زیاد است ولی به نظرم پاسخ به این سوالات کمک می‌کند برخی از سایر سوالات ذهن افرادی که دغدغه روان‌شناسی حرفه‌ای را دارند، جواب بگیرد.

در پایان برای تمامی همکاران و هموطنان عزیزم سال خوبی را آرزو می‌کنم.

^۱ mapping tool